

# مورخ ۴ مارچ ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا در رمله اسکندریه: درباره حضرت زردشت و ترقیات پارسیان در ظل تعالیم جدید

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۴ مارچ ۱۹۱۲ در هتل ویکتوریا در رمله  
اسکندریه:<sup>1</sup>

درباره حضرت زردشت و ترقیات پارسیان در ظل تعالیم  
جدید

(خطابات جلد سوم، ص. ۵۰-۵۳)

هو الله

از جمله مظاهر مقدسه الهیه حضرت زردشت بود. نبوت حضرت مثل آفتاب واضح و روشن است، برهانش ساطع است و دلیلش لائح و حجتش قاطع. حضرت زردشت وقتی ظاهر شد که ایران ویران بود، اهل ایران در نهایت خذلان، مدتی محاریات دائمی در میان ایران و ترکستان بود. در ایام لهراسب جزئی آرامی یافت، زیرا لهراسب بنده حق بود و تحرّی حقیقت می نمود. بعد گشتاسب بر سریر سلطنت نشست. باری ایران را ظلمات

<sup>1</sup> خطابه در رمله اسکندریه ۱۴ ربیع الاولی سنه ۱۳۳۰ در هتل ویکتوریا



ORIGINAL



AUDIO

ذلل و هوان احاطه کرده بود در چنین وقتی حضرت زردشت ظاهر شد، ایران را روشن کرد و اهالی ایران را بیدار و هوشیار فرمود. بعد از آن که قوای ایران به تحلیل رفته بود و از هر جهت تدنی حاصل شده ایرانیان گمراه و ظلمت نادانی مستولی دوباره بتعالیم حضرت زردشت جانی تازه گرفت و رو به ترقی گذاشت.

تعالیم حضرت زردشت واضح است که تعالیم آسمانی است و نصایح و وصایای حضرت زردشت واضح است که الهی است. اگر حضرت زردشت ظاهر نمی شد، ایران محو و نابود شده بود. اگر تعالیم حضرت زردشت نبود، ایرانیان به کلی بی نام و نشان شده بودند، از فضائل عالم انسانی به کلی محروم می گشتند و از فیوضات ربّانیه به کلی محجوب. ولی آن کوکب نورانی، افق ایران را روشن کرد، عالم اخلاق را تعدیل فرمود و ایرانیان را به تربیت الهی تربیت کرد.

باری نبوت حضرت زردشت مثل آفتاب واضح و آشکار است. عجب است که نبوت حضرت موسی را قائلند و حضرت زردشت را انکار می کنند. باری چون حضرت زردشت در قرآن صریحاً مذکور نیست، لهذا اهل فرقان انکار او کردند و اعتراض بر او داشتند. و حال آنکه در قرآن بعضی انبیاء به اسم مذکورند و اکثری از انبیا به صفت مذکور. جمیع انبیاء که در قرآن اسمشان مذکور است بیست و هشت پیغمبر است؛ ما عدای آنها بدون تصریح اسم، اکثرشان مذکور. در خصوص حضرت زردشت می فرماید پیغمبری که در سواحل رود ارس مبعوث شد. به این عنوان حضرت زردشت را به پیغمبر اصحاب الرّس در قرآن ذکر می فرماید. حضرات مفسرین چون نفهمیدند رس را به معنی چاه تفسیر کردند و چون حضرت شعیب در مدیانه بودند و اهل مدیانه ایشان از چاه بود، لهذا گمان کردند پیغمبری که در رس مبعوث شد حضرت شعیب بوده. و بعضی از مفسرین ذکر کرده اند که مقصود از رس ارس است، پیغمبرهای متعدّد در آنجا مبعوث شدند ولی اسمشان در قرآن ذکر نشده چنین گفتند. خلاصه کلام این است که حضرت زردشت در قرآن به عنوان پیغمبر سواحل رس ذکر شده و بزرگواری حضرت مثل آفتاب است.

تا یوم ظهور جمال مبارک، بزرگواری حضرت زردشت مستور بود، بعد جمال مبارک اسم حضرت را بلند نمودند و در الواح ذکرش فرمودند که حضرت زردشت یکی از مظاهر مقدّسه الهیه بود. چون ابر بارد و نسیم بوزد و آفتاب بتابد، آنچه در کمون زمین است ظاهر و آشکار گردد. به همین قسم، چون شمس حقیقت جمال مبارک ظهور نمود و انوارش بر آفاق بتابید، جمیع حقائق اسرار ظاهر و آشکار شد. از جمله مسئله حضرت زردشت بود. فارسیان هزارسال و چیزی سرگردان بودند، بی سر و سامان بودند. الحمد لله جمال مبارک فارسیان را در آغوش عنایت خود گرفت و بعد از هزار سال از این ذللّت و از این مشقت نجات داد و نبوت حضرت زردشت را اعلان فرمود. این قضیه نیز سبب الفت و محبت و ارتباط و وحدت عالم انسانی است.

جمال مبارک جمع امم را در ظلّ جناح عنایت خویش گرفت و کلّ را دلجوئی فرمود و به جمیع مهربانی کرد، لهذا امرش رحمت عالمیان است و ظهورش سبب نجات من علی الارض و مسرت جمیع ملل. حکم سیف را برداشت، به جای سیف محبت حقیقیّه گذاشت. نفرت واجتناب را محو فرمود، الفت و اجتناب در میان عموم تأسیس فرمود. الحمد لله ما را از هر قیدی آزاد کرد و ما را با جمیع ملل صلح و آشتی داد. محبّ عالمیان کرد و از بهائیان شمرد. لهذا باید هر دم صد هزار شکرانه نمائیم و به عبودیتش قیام کنیم. این است نهایت آمال و آرزوی ما. ملاحظه کنید که چه موهبتی فرموده. الآن این جمع هر یک از جائی و هر نفسی از اقلیمی و کشوری. چقدر ما بین ما اختلاف بود، چه قدر نزاع بود، چه قدر اجتناب بود. به صفت رحمانیت بر ما تجلّی کرد، همه ما را جمع کرد، الفت داد، متحد فرمود و بر سر یک سفره در همچو جائی، بلاد غربتی جمع کرد و کلّ در نهایت محبت و الفت و اتحاد و یگانگی بر سر این سفره جمعیم و مقصدی جز عبودیت آستان مبارک نداریم و مرادی جز محبت و الفت نخواهیم. قلوب با یکدیگر مرتبط است و جان ها کلّ بعنایت جمال مبارک مستبشر. از این جمعیت واضح و مشهود است که بعد چه خواهد شد و چگونه بین ملل و مذاهب و شعوب و قبائل مختلفه متحاربه متنازعه الفت و اتحاد و یگانگی حاصل خواهد گشت. این عنوان است، دیگر معلوم است که متن و شرح این نامه چگونه است این مجلس دیباچه کتاب است، لهذا معلوم است حقائق و معانی این کتاب چگونه است.

امیدم چنان است که تماماً هر یک چون به موطن خود یا مسکن خود مراجعت کنید، آیتی از آیات الهیه باشید، موهبتی از مواهب ربّانی باشید، سبب الفت قلوب گردید و سبب اتحاد و ارتباط نفوس. به وحدت انسانی خدمت کنید، خادم جمیع بشر باشید و محبّ جمیع من علی الارض. آشنا و بیگانه ندانید یار و اغیار نشمرید، با جمیع به نهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت نمائید. این است نهایت آمال و آرزوی ما. یقین است که معمول خواهید داشت.

